

Analysis of power-political relationships and dynamics in sport: A Review Study

Mohammad Javad Ziya*¹ - Rahim Ramezanejad² - Shahram Shafiee³ - Mehdi Hedayati Shahidani⁴

1.Ph.D. Student in Sports Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Guilan, Rasht, Iran 2.Professor of Sports Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Guilan, Rasht, Iran 3.Associate Professor of Sports Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Guilan, Rasht, Iran 4.Associate Professor of Political Science and International Relations, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran

(Received:2024/11/23; Accepted:2025/01/26)

Abstract

The aim of the present study was to analyze the connections and dynamics of power and politics in sport. This review and analysis study was conducted using a library research method, analyzing 150 valid studies from reputable scientific databases. The findings indicated that studies on the interaction between power and sports politics in the country have been primarily examined through three approaches: the involvement of politicians in sports, the involvement of athletes in politics, and sports diplomacy. In the first approach, the main areas of political interference in sports include the appointment of provincial sports directors, Ministry of Sports officials, and federation leaders. These interventions often involved lobbying, political bargaining, impeachment threats, and pressure from national authorities. In the second approach, athletes entering politics have pursued personal motives alongside social and national ones. These motives include gaining societal prestige, increasing fame, attaining higher political positions, financial benefits, and maintaining status in the post-athletic phase. In the third approach, sports diplomacy, as part of public and cultural diplomacy, is used to showcase national authority by hosting sporting events, influencing event outcomes, and securing international sports positions. Overall, sport, with its dynamic and complex interactions with the political sphere at both national and international levels, has emerged as a powerful tool for fostering social cohesion, demonstrating national power, and advancing strategic goals. It has increasingly blurred the boundaries between sporting competitions and politics.

Keywords

sports diplomacy, sports policy, political power, sports chairs, hosting competitions

* Corresponding author : Email: javad.ziya@gmail.com

تحلیل روابط و پویایی قدرت - سیاست در ورزش: مطالعه مروری

محمدجواد ضیاء*^۱ - رحیم رضانی نژاد^۲ - شهرام شفیعی^۳ - مهدی هدایتی شهیدانی^۴

۱. دانشجوی دکتری مدیریت ورزش، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران ۲. استاد مدیریت ورزش، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران ۳. دانشیار مدیریت ورزش، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران ۴. دانشیار علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران
(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۳، تاریخ تصویب: ۱۴۰۳/۱۱/۰۷)

چکیده

هدف پژوهش حاضر تحلیل روابط و پویایی قدرت و سیاست در ورزش بود. این پژوهش از نوع مطالعات مروری و تحلیلی بود و با روش کتابخانه‌ای و بررسی ۱۵۰ پژوهش معتبر از مجموعه اسناد پایگاه‌های پر استناد معتبر علمی انجام گرفت. نتایج نشان داد مطالعات حوزه تعامل قدرت و سیاست ورزش کشور عمدتاً با سه رویکرد ورود سیاسیون به ورزش، ورود ورزشکاران به سیاست و دیپلماسی ورزش بررسی شده است. در رویکرد اول، عمده‌ترین زمینه‌های دخالت و نفوذ سیاسیون یا اشخاص وابسته به این افراد در ورزش، دخالت در انتصاب مدیران کل ورزش استان‌ها، وزارت ورزش و مسئولان فدراسیون‌ها است. ضمناً شیوه مداخله نیز لابی و بده-بستان‌های سیاسی، تهدید به استیضاح، اعمال فشار از سوی مقامات ملی و غیره را شامل می‌شد. در رویکرد دوم، ورزشکاران با ورود به سیاست علاوه بر انگیزه‌های اجتماعی و ملی در برخی انگیزه‌های شخصی مانند کسب وجهه در جامعه، افزایش شهرت، دستیابی به پست‌های بالاتر و قدرت سیاسی، منافع مالی و حفظ جایگاه برتر در دوران پساچه‌رمانی نقش دارند. در رویکرد سوم، دیپلماسی ورزش به‌عنوان بخشی از دیپلماسی عمومی و فرهنگی، بیشتر با هدف نمایش اقتدار ملی با تلاش برای کسب میزبانی رویدادهای ورزشی، اثرگذاری بر نتایج رویدادها و کسب کرسی‌های بین‌المللی ورزش دنبال می‌شود. به‌طور کلی، ورزش با تعاملات پویا و پیچیده‌ای که با حوزه سیاست در عرصه ملی و بین‌المللی دارد به ابزاری قدرتمند برای انسجام اجتماعی، نمایش قدرت ملی و پیشبرد اهداف استراتژیک کشورها تبدیل شده و مرزهای میان رقابت ورزشی و سیاست را کمرنگ ساخته است.

کلیدواژه‌ها

دیپلماسی ورزش، سیاست ورزش، قدرت سیاسی، کرسی‌های ورزشی، میزبانی مسابقات.

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: javad.ziya@gmail.com

مقدمه

قدرت^۱ از مفاهیم اساسی در تحلیل مسائل سیاسی و سازمانی است که همچون جریانی ناپیدا در تمام ابعاد تعاملات انسانی و سازمانی حضور دارد و وسیله‌ای برای پایداری^۲، اعمال هنجارها، کنترل و حل تعارض منافع^۳ است (۱). قدرت سازمانی^۴ نه تنها به معنای کنترل و هدایت، بلکه به عنوان ابزاری برای ایجاد هماهنگی، انگیزش و حل تعارضات نیز عمل می‌کند (۲). همچنین، قدرت سازمانی به توانایی سازمان برای برآورده سازی خواسته‌های مشتریان، مدیریت مؤثر منابع، افزایش و ایجاد انگیزه در عملکرد کارکنان و چیرگی بر رقبا اشاره دارد و در واقع، توانایی سازمان برای تحقق اهداف، اثرگذاری بر سازمان‌های دیگر و کسب امتیازات بیشتر است. با توجه به اینکه سازمان، مجموعه‌ای از روابط متقابل و تعاملات انسانی است، بنابراین قدرت نیز می‌تواند تعیین‌کننده ماهیت این تعاملات باشد (۳). در سازمان‌های ورزشی نیز میزان استفاده از قدرت سازمانی به عواملی مانند منابع و ماهیت وجودی سازمان بستگی دارد. مثلاً بعضی از فدراسیون‌های ورزشی دارای پخش رسانه‌ای گسترده هستند، در حالی که فدراسیون دیگری امکان دارد از این امتیاز برخوردار نباشد؛ بنابراین، فعالیت رسانه‌ای یک‌رشته ورزشی می‌تواند نقش مهمی در افزایش قدرت سازمانی فدراسیون مربوطه داشته باشد و رئیس آن فدراسیون می‌تواند بر اثر همین سازوکار، امتیازات بیشتری برای خود (قدرت فردی^۵) و فدراسیون (قدرت سازمانی) کسب نماید. از این رو، وجود افراد قدرتمند در سازمان‌های ورزشی بسیار مفید و اثرگذار است اما نحوه شکل‌گیری ساختار یک سازمان ورزشی نیز می‌تواند سبب قدرت برخی واحدها و زیرمجموعه‌ها شود (۴).

یکی از مهم‌ترین جلوه‌های قدرت در ورزش، ایجاد ائتلاف‌هاست. مثلاً در دنیای فوتبال، باشگاه‌های بزرگ اروپایی با ایجاد ائتلافی قدرتمند تصمیم به تشکیل

سوپرلیگ گرفتند تا بتوانند منافع مالی بیشتری از مسابقات و پخش تلویزیونی کسب کنند. این ائتلاف، هرچند با مخالفت شدید نهادهای بین‌المللی مانند فیفا^۶ و یوفا^۷ مواجه شد، اما نشان‌دهنده قدرت گروهی و نفوذ این باشگاه‌ها در جهان فوتبال بود. ائتلاف‌ها زمانی شکل می‌گیرند که افراد یا سازمان‌ها، زمان و انرژی خود را به اشتراک‌گذاری دیدگاه‌ها، ایجاد اعتماد و روابط صادقانه اختصاص دهند. مثلاً در ایران، برخی از مربیان برجسته ورزشی در رشته‌هایی مانند کشتی یا وزنه‌برداری از طریق تشکیل اتحادیه‌های مربیان تلاش می‌کنند تا قدرت بیشتری در مذاکرات با فدراسیون‌ها و نهادهای ورزشی به دست آورند. این تعاملات اغلب در محیط‌های غیررسمی، مانند رویدادهای ورزشی، جلسات خصوصی یا حتی در زمین تمرین اتفاق می‌افتد. در برخی موارد نیز ائتلاف‌های ورزشی برای تضعیف رقبایان شکل می‌گیرند. به عنوان نمونه، در رقابت‌های المپیک، برخی از کشورها برای افزایش شانس مدال‌آوری خود با تشکیل تیم‌های مشترک یا بهره‌گیری از استعداد‌های ورزشی کشورهای دیگر، ائتلاف‌هایی تاکتیکی ایجاد می‌کنند (۵).

در جامعه‌شناسی سازمان نیز به مفهوم بازی قدرت میان واحدها، مدیران و کارکنان تأکید شده است. این بازی‌ها برای کسب مقام و کنترل منابع استراتژیک هستند و دارای قوانین مشخصی‌اند. بازیگران قدرت می‌توانند در داخل یا خارج سازمان باشند و هدف آن‌ها کاهش عدم اطمینان و کنترل منابع است؛ بنابراین، سازمان بیشتر نتیجه تعاملات و رقابت‌های قدرت میان بازیگران مختلف است تا برنامه‌ریزی‌هایی که از پیش تعیین شده‌اند. این بازی روابط قدرت، همکاری و تعامل اعضا را شکل می‌دهد و گروه‌ها در چارچوب قواعد این بازی سیاسی اثرگذار بر تصمیم‌گیری‌ها باهم در تعامل هستند (۵). قدرت به معنای توانایی یک فرد،

۵. Individual Power

۶. FIFA

۷. UEFA

۱. Power

۲. Sustainability

۳. Conflict of Interest

۴. Organizational Power

قدرت است (۸). ضمناً در هر دو موضوع خط‌مشی و سیاست، استفاده از قدرت برای اثرگذاری بر تصمیم‌گیری در سازمان مورد توجه است. لذا در این مطالعه، منظور از سیاست، بیشتر به معنای روابط و رفتار سیاسی است.

مینتزبرگ^۷ (۱۹۸۳) رفتار سیاسی را فعالیت‌های غیررسمی، خودخواهانه و گاه غیرقانونی می‌داند که توسط اقتدار رسمی، ایدئولوژی و منابع معتبر کارشناسی تأیید نمی‌شوند. بسیاری از افراد تنها جنبه منفی رفتارهای سیاسی را می‌بینند و سیاست‌شناسی را مترادف با بهره‌گیری از نیرنگ و فریب برای تأمین منافع شخصی (با تأکید بر اخلاق ماکیاولی^۸) می‌دانند که در آن فرصت‌طلبی و سیاست‌بازی‌های مخرب، ویژگی‌های بارز آن به شمار می‌آیند. از دیدگاه برخی، سیاست‌ها در یک سازمان به معنی رفتاری ناعادلانه، بد، غیرمنطقی و غیرسالم است؛ باوجوداین، برخی معتقدند رفتار سیاسی یک رفتار متداول و مرسوم در هر سازمان است و قابل حذف نیست؛ البته مشاهده و سنجش فضای سیاسی^۹ دشوار است (۹).

به‌طور کلی، رفتار سیاسی یک رفتار خودخدمتی^{۱۰} است که منافع دیگران را تهدید می‌کند و به افراد یا گروه‌ها امکان می‌دهد تا بر رفتار یا نگرش دیگران تأثیر بگذارند. این رفتار در محیط‌های پر از بی‌اعتمادی و عدم اطمینان بیشتر دیده می‌شود، جایی که افراد به دلیل کمبود حمایت اجتماعی به آن روی می‌آورند. به‌طور کلی رفتار سیاسی، تلاشی آگاهانه برای حفظ یا افزایش منافع شخصی یا گروهی است و خارج از وظایف رسمی فرد صورت می‌گیرد. این رفتار هم می‌تواند پیامدهای مثبت و هم منفی برای سازمان داشته باشد (۱۰). معمولاً رفتارهای سیاسی برای کارکرد مؤثر سازمان‌ها ضروری‌اند و افراد ماهر در این زمینه ممکن است از مزایای شغلی بیشتری برخوردار شوند؛ بنابراین، فعالیت‌های

گروه یا سازمان است که می‌تواند دیگران را به انجام کاری وادار کند که در شرایط عادی انجام نمی‌دادند. به‌عبارت‌دیگر، قدرت موقعیتی را توصیف می‌کند که در آن یک فرد یا سازمان تلاش می‌کند تا علی‌رغم وجود مقاومت، اراده خود را به اجرا بگذارد (۶). از طرف دیگر، قدرت، رابطه و هم‌پوشانی بالایی با سیاست^۱ دارد. البته تعریف مفهوم سیاست پیچیده است و هر تعریفی از سیاست بر اساس باورها و ارزش‌های خاص یک فرد شکل می‌گیرد. با این حال، اغلب سیاست را استفاده از قدرت در عمل برای تعریف پیوستاری از بایدها و نبایدها توسط صاحبان قدرت و نفوذ^۲ قلمداد می‌کنند که رفتار سیاسی^۳ بر اساس آن در سازمان شکل می‌گیرد (۷) و لذا اعمال قدرت و سیاست در سازمان‌ها به رفتار سیاسی نیاز دارد.

رفتار سیاسی شامل تلاش‌هایی برای اثرگذاری بیشتر بر سازمان است و به شکل‌هایی مانند پنهان‌سازی اطلاعات از تصمیم‌گیرندگان، شایعه‌پراکنی، پارتی‌بازی و افشای اطلاعات محرمانه دیده می‌شود. در سازمان‌های ورزشی، هرچه روابط غیررسمی‌تر و ناهماهنگی بیشتر باشد، رفتار سیاسی افزایش می‌یابد. رابینز^۴ (۱۹۸۳) معتقد است که همه رفتارها در سازمان سیاسی‌اند و نمی‌توان آن‌ها را حذف کرد، زیرا برخی کارکردی هستند و به تحقق اهداف سازمان کمک می‌کنند؛ اما رفتار سیاسی زیاد می‌تواند استرس شغلی^۵، نگرش‌های منفی و جابجایی کارکنان را افزایش دهد و بهره‌وری سازمان را تهدید کند (۵). قدرت علاوه بر رابطه‌ای که با رفتارهای سیاسی دارد، یکی از موضوعات اصلی در مطالعات سیاست‌گذاری عمومی^۶ نیز است؛ چون خط‌مشی‌گذاری نیز حاصل شکل‌گیری ائتلاف‌ها، بده و بستان‌ها، فشارهای درونی و بیرونی و چانه‌زنی‌های نهادهای مختلف اجتماعی است. تعیین خط‌مشی‌ها و سیاست‌گذاری توسط دولت و سازمان‌ها نیز فرایندی سیاسی و مبتنی بر

6. Public Policy-Making

7. Mintzberg

8. Machiavelli's Ethics

9. Political Atmosphere

10. Self Service

1. Politic

2. Influence

3. Political Behavior

4. Robbins

5. Job Stress

کم‌اهمیت جلوه دهند. این تاکتیک‌ها به‌طور مداوم توسط کسانی استفاده می‌شود که به دنبال میزبانی رویدادهای ورزشی بزرگی مانند بازی‌های المپیک هستند. طرفداران میزبانی معمولاً روی جنبه‌های مثبت این موضوع مانند ایجاد زیرساخت‌های جدید، جذب گردشگر و ایجاد فرصت‌های شغلی تمرکز می‌کنند؛ به‌عنوان مثال، در زمان درخواست شهر ریودوژانیرو^۳ برای میزبانی بازی‌های المپیک ۲۰۱۶، مقامات شهری و حامیان میزبانی تأکید زیادی بر جنبه‌های مثبت میزبانی داشتند؛ آن‌ها وعده ساخت زیرساخت‌های جدید، ایجاد فرصت‌های شغلی و افزایش درآمد حاصل از گردشگری را دادند؛ اما در مقابل، به‌ندرت به این موضوع اشاره شد که برای تأمین هزینه‌های سنگین این رویداد، مالیات‌های مردم افزایش خواهد یافت و برخی از مناطق فقیرنشین شهر تخلیه می‌شوند تا فضای لازم برای ساخت امکانات جدید فراهم شود (۱۳).

با وجود اهمیت و کاربرد این موضوع و با توجه به اینکه چنین روابطی توسط تعداد بسیاری از مدیران در سازمان‌های مختلف تجربه شده است؛ ولی پژوهش‌های مرتبط با نقش قدرت و سیاست در ورزش ایران سابقه طولانی ندارد و بیشتر مطالعات قدرت در سازمان‌های ورزشی ایران با رویکرد رفتار سازمانی انجام گرفته‌اند و منابع قدرت مدیران و مربیان ورزش را با متغیرهایی مانند سبک رهبری، اثربخشی، انگیزش، رضایت‌مندی، سلامت سازمانی، سوء رفتار، انسجام تیمی و تعهد ورزشی موردتوجه قرار داده‌اند که در این راستا می‌توان به تحقیقات علیدوست قهفرخی و شایگان (۱۳۹۴)، محمدی و دولتی (۱۳۹۵)، زردشتیان و همکاران (۱۳۹۵)، صفاری و جعفری حجین (۱۳۹۷)، چپری و همکاران (۱۳۹۸)، ضیاء و همکاران (۱۴۰۰)، هادیان جزمی و کریمی (۱۴۰۱)، ضیاء و همکاران (۱۴۰۳) اشاره کرد (۱۴).

سیاسی می‌توانند به‌عنوان پدیده‌ای پذیرفته‌شده و مفید برای کسب قدرت در سازمان‌ها دیده شوند (۵).

ورزش نیز همواره تحت تأثیر مسائل سیاسی و سیاست‌گذاران، دولت‌مردان و حاکمان بوده و این تأثیر با شکل‌گیری بازی‌های المپیک و دیگر رویدادهای بین‌المللی افزایش یافته است؛ به‌طوری‌که هم‌اکنون تأثیر قدرت و سیاست در برگزاری یک رویداد ورزشی کوچک نیز به چشم می‌خورد. این پیوستگی موجب می‌شود روابط قدرت و سیاست درون و بیرون این سازمان‌ها برجسته باشد. البته مدیران ورزش با رفتارهای سیاسی می‌توانند منابع و منافع سازمانی را کنترل کنند و بر محیط سیاسی^۱ اثر بگذارند. این رفتارها مانند چانه‌زنی و استفاده از قدرت‌های فردی و سازمانی، نشان می‌دهد سیاست و قدرت ابزارهای کلیدی در مدیریت سازمان‌های ورزشی هستند (۱۱). در سازمان‌های ورزشی نیز صاحبان قدرت، گروه‌های ذینفع، نخبگان و افراد حرفه‌ای، پیشکسوتان، ورزشکاران بزرگ و غیره بر جریان تصمیم‌گیری‌ها اثر می‌گذارند. به همین دلیل، بهتر است این موضوع همیشه در کنار موضوع قدرت، سیاست، کنترل و تعارض منافع بررسی شود. بررسی موضوع قدرت و سیاست در سازمان‌های ورزشی، درواقع یک نوع نگاه سیاسی به سازمان است (استعاره سیاسی^۲)؛ چون وجود ذینفعان مختلف در سازمان‌های ورزشی نشان‌دهنده روابط مشهود قدرت و سیاست است و با این نگاه، می‌توان بسیاری از رفتارهای سیاسی در سازمان‌های ورزشی را به‌خوبی درک کرد (۱۲).

کنترل اطلاعات یکی دیگر از شکل‌های رفتار سیاسی است که می‌تواند به‌وسیله مدیران ورزش برای نفوذ بر نتایج حاصل از فرایند تصمیم‌گیری در سازمان یا تصمیمات مربوط به سازمان استفاده شود. مدیران می‌توانند با برجسته‌سازی حقایقی که به نفع موقعیت آن‌هاست یا با پنهان‌سازی، کاهش یا نادیده انگاری اطلاعات مخالف، جایگاه خود را تقویت کنند و دیدگاه‌های دیگران را

^۳. Rio de Janeiro

^۱. Political Environment

^۲. Political Metaphor

قدرت - سیاست در ورزش مورد بررسی قرار گرفتند و در نهایت ۱۵۰ مقاله علمی پژوهشی معتبر انتخاب، تحلیل و در سه حوزه طبقه‌بندی شدند. همچنین، روش اعتبارسنجی شامل قابلیت سازگاری یا اطمینان و قابلیت تأیید یا اثبات کیفیت نتایج این پژوهش (روابط قدرت-سیاست) توسط بازخورد حاصل از تأیید صاحب‌نظران، اعمال گردید.

یافته‌ها

تحقیقات در زمینه تعاملات قدرت و سیاست در ورزش، به‌وضوح نشان می‌دهد که این ارتباطات پیچیده را می‌توان به سه بخش اصلی ورود سیاسیون به عرصه ورزش، ورود ورزشکاران به سیاست و مفهوم دیپلماسی ورزشی^۸ تقسیم کرد. هر یک از این بخش‌ها نمایانگر ابعاد گوناگون تأثیرات متقابل قدرت و ورزش در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی است.

ورود سیاسیون به ورزش

مرور تحقیقاتی مانند جلالی فراهانی (۱۳۹۳)؛ الهی منش و صیاد (۱۳۹۷)؛ آبیشا^۹ (۲۰۱۶)؛ پیکارز و آدامز^{۱۰} (۲۰۱۶)؛ گیف و ماینر^{۱۱} (۲۰۱۷)؛ دوستی و همکاران (۱۴۰۰)؛ هیتا^{۱۲} و همکاران (۲۰۲۴) نشان داد حکومت‌ها و سیاست‌مداران به دلایل مختلفی به عرصه ورزش وارد شده‌اند که این دلایل تنها به ارزش‌های مستقیم ورزش محدود نمی‌شوند؛ چون ورزش به‌طور سنتی به‌عنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف غیرورزشی مانند ترویج سوسیالیسم^{۱۳}، بهبود سلامت عمومی، ایجاد اشتغال، احیای

تحلیل روابط قدرت و سیاست در ورزش، تأثیرات گسترده‌ای بر پویایی‌های داخلی سازمان‌های ورزشی و تعاملات بین‌المللی دارد. با توجه به اهمیت این موضوع، چالش‌های متعددی همچنان نیازمند بررسی هستند. از جمله این چالش‌ها می‌توان به نبود چارچوب تحلیلی جامع برای تبیین تعامل میان قدرت و سیاست در ورزش، ابهام در نقش بازیگران کلیدی نظیر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و کمبود مطالعات مروری نظام‌مند در این حوزه اشاره کرد. از این‌رو در مقاله حاضر با صرف‌نظر از موضوع خط‌مشی/سیاست‌گذاری، مفهوم روابط و پویایی قدرت و سیاست در ورزش با هدف پاسخگویی به سؤالاتی مانند چگونگی تعامل قدرت و سیاست در ورزش و نقش بازیگران کلیدی در آن مورد بررسی قرار داده است. همچنین مطالعه حاضر تلاش دارد با ارائه تحلیلی نظام‌مند از ادبیات موجود، روندها و چالش‌های اصلی را شناسایی کرده و مبنایی برای پژوهش‌های آینده فراهم آورد. این تحلیل همچنین می‌تواند در ارتقای درک تصمیم‌سازان ورزشی نسبت به مدیریت بهتر روابط قدرت و سیاست مفید واقع شود.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع مطالعات مروری و تحلیلی است. بر این اساس، با جستجوی کلیدواژه‌های قدرت، سیاست، ورزش، حکمرانی، توسعه ورزش در مجموعه اسناد و پژوهش‌های معتبر از منابع و پایگاه‌های موثق و پر استناد علمی به‌ویژه پایگاه اطلاعاتی گوگل اسکالر^۱ و سیج^۲، همچنین پایگاه‌های ساینس‌دایرکت^۳، آی اس آی^۴، اسکوپوس^۵ (به ویژه سایمگو^۶) و پایگاه استنادی علوم جهان اسلام^۷ در بازه زمانی ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۴، پژوهش‌های (خارجی و داخلی) کاملاً مرتبط با مباحث موردنظر با روابط و پویایی

8. Sports Diplomacy

9. Abisha

10. Piekarz & Adams

11. Gift & Miner

12. Hita

13. Socialismus

1. Google Scholar

2. Sage

3. Science Direct

4. ISI Web of Science

5. Scopus

6. Scimago

7. ISC

بسیاری از منابع و کتاب‌های مرتبط با تاریخ و نتایج بازی‌های المپیک جدید، صرفاً به جنبه‌های ورزشی این رویدادها پرداخته‌اند؛ درحالی‌که در قبل، بعد و حتی در پشت‌صحنه این مسابقات، اهداف و فرآیندهای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به‌وضوح با ورزش در تعامل هستند و نقشی اساسی ایفا می‌کنند. شواهد فراوانی از بازی‌های المپیک باستان و جدید، مسابقات جهانی، انتخابات فدراسیون‌های ملی و بین‌المللی و مدیریت باشگاه‌ها و تیم‌های ورزشی وجود دارد که نشان می‌دهد سازمان‌های ورزشی نه‌تنها تحت تأثیر سیاست‌های عمومی دولت‌ها و حاکمیت‌ها قرار می‌گیرند، بلکه از نفوذ و اعمال قدرت صاحبان قدرت و رفتارهای سیاسی نیز مصون نیستند. این ارتباط و تعامل میان سیاست و ورزش، پیامدهای مثبت و منفی متعددی برای سازمان‌های ورزشی به همراه داشته است. اگرچه تلاش‌های بسیاری برای محافظت از ورزش در برابر آثار منفی این تعاملات صورت می‌گیرد، اما به‌طور طبیعی روابط قدرت و سیاست بر سازمان‌های ورزشی تأثیر می‌گذارند و مدیران باید بتوانند مسئولانه و به‌طور مثبت از این روابط به نفع اهداف سازمان‌های ورزشی بهره‌برداری کنند (۲۴).

بررسی مسائل روز حوزه مدیریت ورزش کشور که امروزه بیشتر به مدیریت بحران‌های روزمره ورزش تبدیل شده است حاکی از آن است که مهم‌ترین جاذبه ورزش برای سیاستمداران، شهرت و معرفی در میان مردم و به‌خصوص قشر جوان و بهره‌برداری سیاسی از این شهرت و همچنین عقد قراردادهای مالی سنگین به‌منظور کسب منافع شخصی بوده است. عرصه ورزش با حوزه تبلیغاتی وسیع، محلی جذاب برای تبلیغات سیاسی سیاستمداران به شیوه‌های گوناگون است تا از این طریق آرای بیشتری را به سمت خود جلب کنند. ورزش در انتخابات هر کشوری می‌تواند نقش اساسی ایفا کند، درواقع هر چه قدر سرمایه اجتماعی^۵

مناطق کمتر توسعه‌یافته و افزایش اعتبار بین‌المللی مورد استفاده قرار گرفته است (۲۱-۱۵).

تاریخ استفاده سیاسی از ورزش به دوران قبل از جنگ‌های جهانی اول و دوم و اواخر قرن نوزدهم بازمی‌گردد. در این دوران، ورزش به ابزاری قدرتمند برای ترویج ایدئولوژی‌های سیاسی تبدیل شد (۲۲). در شوروی، سیاستمداران از ورزش برای گسترش سوسیالیسم بهره بردند؛ درحالی‌که در اسپانیا و ایتالیا، دیکتاتورها از آن برای ترویج تفکرات فاشیستی^۱ استفاده می‌کردند. از سوی دیگر، در جمهوری دومینیکن^۲، سیاستمداران، ورزش بیسبال را به‌عنوان نمادی از سلطه سیاسی و اقتصادی آمریکا بر کشورشان می‌دانستند. بازی‌های المپیک ۱۹۳۶ برلین نمونه دیگری از این استفاده سیاسی است؛ جایی که رژیم نازی با برخورد تبعیض‌آمیز با ورزشکاران یهودی و سیاه‌پوست، ایدئولوژی نژادپرستانه^۳ خود را به نمایش گذاشت. حتی پس از جنگ سرد^۴، مداخله دولت‌ها در ورزش همچنان با هدف کنترل و تأثیرگذاری بر سایر حکومت‌ها و مردمشان ادامه یافت. در چین، حکومت از مسابقات ورزشی بزرگ، به‌ویژه المپیک پکن ۲۰۰۸ و بازی‌های آسیایی برای نمایش قدرت اقتصادی و سیاسی نوین خود در سطح جهانی استفاده کرده است. همچنین، در عربستان سعودی، با سرمایه‌گذاری گسترده در فوتبال و مسابقات جهانی، دولت به دنبال تغییر وجهه خود و کاهش تمرکز بین‌المللی بر موضوعات حقوق بشری و ایجاد تصویری مدرن و پیشرو از خود است. از این‌رو، ورزش به یک ابزار قدرتمند در سیاست جهانی تبدیل شد و فراتر از تفریح و سرگرمی با نقش تجاری و سیاسی روزافزون به یکی از مهم‌ترین عرصه‌ها برای دولت‌ها و سیاستمداران بدل گشت (۲۳).

4. Cold War

5. Social Capital

1. Cogitationes Fascisticae

2. Dominican Republic

3. Racist Ideology

مناقصه‌ها، تجهیزات مورد نیاز مانند صندلی‌ها، سیستم‌های نورپردازی، چمن‌های مصنوعی و سیستم‌های امنیتی را تأمین می‌کنند. شرکت‌های مرتبط با این مافیا با ایجاد رقابت‌های ناسالم و استفاده از روابط پشت پرده، اغلب قراردادهای خود درمی‌آورند و تجهیزات را با قیمت‌های بالا یا کیفیت پایین عرضه می‌کنند. این فساد سبب هدر رفت منابع عمومی و افزایش هزینه‌ها برای دولت‌ها و مردم می‌شود. همچنین این شبکه‌ها حتی ممکن است در تصمیم‌گیری‌های کلان در خصوص استانداردهای تکنولوژی ورزشگاه‌ها تأثیر بگذارند (۲۶). در ایران نیز پیامدهای حضور این افراد وابسته نیز هر روز پررنگ‌تر می‌شود که از جمله نمونه‌های آن می‌توان به چمن نامرغوب و مواد اولیه نامناسب بسیاری از ورزشگاه‌های تازه احداث کشور مانند ورزشگاه نقش جهان اصفهان و فولاد آرنا خوزستان اشاره کرد که در جریان مسابقات ملی فوتبال و لیگ نخبگان آسیا^۳، اقتدار ورزش ایران را خدشه‌دار کرده است. با وجود اینکه دخالت سیاستمداران در عرصه ورزش به دلیل دسترسی آن‌ها به منابع مالی و قدرت، اغلب با هدف افزایش اعتبار اجتماعی، شهرت و تحقق منافع سیاسی صورت می‌گیرد و این حضور می‌تواند به توسعه زیرساخت‌ها و جذب حامیان مالی منجر شود اما هم‌زمان پیامدهای منفی مانند ایجاد تنش، حاشیه‌سازی و بی‌نظمی در مدیریت ورزش را نیز به دنبال دارد. سیاستمداران معمولاً با نگاهی ابزاری به ورزش می‌نگرند و از آن برای دستیابی به اهداف سیاسی و جلب حمایت برای دولت‌ها استفاده می‌کنند. این روند سبب کاهش استقلال ورزش از دولت و افت کیفیت روش‌های علمی و حرفه‌ای می‌شود؛ و نتیجه این مداخلات، حذف متخصصان، افت مدیریت ورزشی و تحت‌الشعاع قرارگیری رقابت سالم و پیشرفت در ورزش خواهد بود (۲۰).

ورود ورزشکاران به سیاست

کاندیدهای شرکت‌کننده در انتخابات بیشتر باشد در تعیین نتیجه نهایی رقابت بسیار مؤثرتر است و امکان دستیابی به مقام سیاسی را برای آن‌ها بیشتر فراهم می‌کند (۲۵). واضح است در دنیای پیشرفته کنونی، ورزش ابزاری برای تبلیغات سیاسی کلان دولت‌هاست؛ مثلاً اکثر دولت‌ها از فوتبال به‌عنوان یک وزنه سیاسی جهت پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کنند مانند قطر که با برگزاری جام جهانی ۲۰۲۲، نه تنها به دنبال کسب اعتبار بین‌المللی بود بلکه تلاش کرد تا از ورزش برای تغییر تصویر جهانی خود در برابر اتهامات حقوق بشری استفاده کند (۲۳).

بررسی نقش سیاسیون در ورزش ایران نشان می‌دهد که این افراد از ورزش برای هدایت افکار عمومی، تشکیل انجمن‌ها و گروه‌های سیاسی، افزایش مشارکت و کنترل امور استفاده می‌کنند. در ایران نیز عمده‌ترین زمینه‌های دخالت و نفوذ سیاسیون یا اشخاص وابسته به این افراد در ورزش، دخالت در عزل و نصب‌های مدیران کل ورزش استان‌ها و وزارت ورزش و مسئولان فدراسیون‌ها است. ضمناً شیوه مداخله نیز لابی و بده-بستان‌های سیاسی، تهدید به استیضاح وزیر، اعمال فشار از سوی مقامات ملی و غیره را در برمی‌گرفت. به عقیده بسیاری از کارشناسان ورزشی، تغییرات مکرر کادر فنی و اعضای هیئت‌مدیره تیم‌های مطرح کشور که با هدر رفت منابع کلان مالی نیز همراه بوده است، ناشی از دخالت سیاسی در تصمیم‌گیری‌های ورزشی است (۲۰).

امروزه افراد دیگری موسوم به پیمانکاران سایه^۱ که وابسته به جریان قدرت در تصمیم‌گیری هستند با ورود به بخش تأمین اموال و تجهیزات استادیوم‌ها و اماکن ورزشی با عقد قراردادهای مالی سنگین به چرخ‌دنده‌های پنهان^۲ نفوذ سیاسی در ورزش تبدیل شده‌اند. این افراد شامل شبکه‌هایی از شرکت‌های بزرگ هستند که در پروژه‌های عظیم ورزشی مانند جام جهانی و المپیک با نفوذ در

^۳. Asian Elite League

^۱. Shadow Contractors

^۲. Hidden Gears

مرز بین سیاست و ورزش باریک‌تر از آن چیزی است که به نظر می‌رسد. کاسپاروف^۳، شطرنج‌باز برجسته روسیه، حتی علیه پوتین^۴ وارد رقابت انتخاباتی می‌شود. محمد صلاح، فوتبالیست مصری نیز با استفاده از نفوذ خود به‌عنوان یک شخصیت ورزشی جهانی، در کمپین‌های ضد خشونت و حقوق بشر شرکت می‌کند و حتی در تحولات اجتماعی و سیاسی مصر نیز تأثیرگذار بوده است. در آمریکا، لبران جیمز^۵، ستاره بسکتبال، نقش مهمی در حمایت از کمپین‌های اجتماعی و سیاسی بازی کرده و حتی از پلتفرم ورزشی خود برای تأثیرگذاری در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا استفاده کرده است. آندری شوچنکو^۶ فوتبالیست معروف اوکراینی پس از پایان دوران ورزشی، در سال ۲۰۱۲ وارد سیاست شد و در انتخابات حزبی شرکت کرد. روماریو^۷، فوتبالیست برزیلی و قهرمان جام جهانی ۱۹۹۴ که به‌عنوان یکی از بهترین بازیکنان تاریخ فوتبال شناخته می‌شود در سال ۲۰۱۰ به‌عنوان نماینده مجلس برزیل انتخاب شد و در سال ۲۰۱۴ به مجلس سنای این کشور راه یافت. روماریو عمدتاً به مسائل اجتماعی مانند مبارزه با فساد در فوتبال و حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت توجه داشت. او در میان مردم برزیل به‌عنوان سیاستمداری محبوب شناخته می‌شود. جورج وه^۸ ستاره سابق فوتبال جهان و برنده توپ طلای ۱۹۹۵ که در تیم‌های بزرگی همچون آث میلان^۹ و پاری سن ژرمن^{۱۰} بازی کرده است. پس از بازنشستگی وارد سیاست شد و در سال ۲۰۱۷ به‌عنوان رئیس‌جمهور لیبریا^{۱۱} انتخاب گشت. او اولین فوتبالیستی است که به این مقام دست‌یافته و اکنون رهبری کشورش را در یکی از حساس‌ترین دوره‌های تاریخی آن بر عهده دارد. در کشور ما نیز علیرضا دبیر، حسین رضازاده، رسول خادم، امیررضا خادم، حسن رنگرز، هادی ساعی و سید حمید

قهرمانان ورزشی در هر سطحی از رقابت‌ها معمولاً مورد تحسین و علاقه عمومی قرار می‌گیرند و بسیاری از مردم آن‌ها را به‌عنوان الگوی خود انتخاب می‌کنند. ظاهر، پوشش و رفتارهای اجتماعی این افراد به‌شدت زیر ذره‌بین قرار دارد. مثلاً دیوید بکهام، ستاره تیم ملی انگلستان و منجستریونایتد، در دهه اول قرن بیست و یکم به یکی از پررنگ‌ترین چهره‌های رسانه‌ای تبدیل شد. او چنان محبوبیت داشت که حتی سیاستمداران انگلیسی نیز مشتاق بودند در کنار او عکس یادگاری بگیرند. این اقدام نه‌فقط یک نمایش دوستی بود، بلکه نوعی صحنه‌گذاری^۱ و اعتباربخشی به خود به شمار می‌آمد. این ارتباطات نه‌تنها در انگلیس، بلکه در آمریکا نیز مشهود است؛ جایی که برخی ورزشکاران و مربیان برجسته با حمایت سیاسی به کنگره و سنای راه یافتند تا اهداف و طرح‌های سیاستمداران را تقویت کنند. در ایران نیز چنین پدیده‌ای قابل‌مشاهده است. بسیاری از سیاستمداران با نزدیک شدن به باشگاه‌ها و چهره‌های ورزشی محبوب، به دنبال افزایش اعتبار خود بوده‌اند. مثلاً جهان‌پهلوان تختی یکی از نمادهای برجسته‌ای است که در گذشته چنین جایگاهی داشت و ارتباطی تنگاتنگ با مردم و سیاستمداران زمانه خود برقرار کرد. این تعامل میان سیاست و ورزش، نشان‌دهنده قدرت فرهنگی و اجتماعی ورزشکاران است که از مرزهای میادین ورزشی فراتر می‌رود و حتی در عرصه سیاست نیز تأثیرگذار است (۵).

تقابل و تعامل سیاست و ورزش، ورزشکاران را به چهره‌هایی فراتر از میادین ورزشی تبدیل کرده است، جایی که سیاستمداران به‌طور مداوم از آن‌ها بهره‌برداری می‌کنند. چیلورت^۲، سنگربان افسانه‌ای پاراگوئه، در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۶ تا مرحله دوم پیش رفت و نشان داد که

7. Romário

8. George Weah

9. AC Milan

10. Paris Saint-Germain

11. Liberia

1. Validation

2. Chilavert

3. Kasparov

4. Putin

5. LeBron James

6. Andriy Shevchenko

جوانان است از جمله دلایل مهم این ورود به عرصه سیاست محسوب می‌شوند. علاقه ورزشکاران به سرنوشت کشور و دغدغه آن‌ها نسبت به تصمیمات ملی به‌عنوان نوعی حمایت ملی و تعهد به کشور تلقی می‌شود. علاوه بر انگیزه‌های اجتماعی و ملی، برخی انگیزه‌های شخصی نیز در ورود ورزشکاران به سیاست نقش دارند. کسب وجهه خوب در جامعه، افزایش شهرت و دستیابی به پست‌های بالاتر به‌عنوان یک سلاح اجتماعی^{۱۰} محسوب می‌شوند. همچنین، انگیزه‌هایی نظیر کسب قدرت سیاسی^{۱۱}، منافع مالی و حفظ جایگاه برتر پس از دوران قهرمانی به‌عنوان سلاح سیاسی^{۱۲} شناخته شده‌اند (۲۴). این یافته‌ها نشان می‌دهد که ورود ورزشکاران به عرصه سیاست نه تنها با انگیزه‌های شخصی و اجتماعی بلکه با تمایل به تأثیرگذاری در سطوح ملی و بین‌المللی همراه است.

نقش ورزش در روابط بین‌المللی

عمده ابزار دولت‌ها برای تحقق اهداف خود در گذشته، نیروی نظامی، ارتش، رایزنی‌ها و ایجاد اتحادهای ملی و فراملی بود، اما تحول ماهیت نظام بین‌المللی، ابزارهای مورد استفاده دولت‌ها و کشورها را برای پیشبرد اهداف و منافع بین‌المللی‌شان دگرگون کرده است. به همین دلیل در چارچوب روابط بین‌المللی سنتی و در کنار قدرت سخت^{۱۳}، مفهوم جدیدی به نام قدرت نرم^{۱۴} ظهور کرده که مبتنی بر ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی کشورهاست و بیشتر افکار عمومی کشورهای دیگر را هدف قرار داده است. ورزش و سیاست ورزشی به‌عنوان ابزاری نوین در زمره این منابع قرار دارد. ورزش به‌عنوان منبعی برای افتخارآفرینی فردی و ملی شناخته می‌شود و به ترویج ارزش‌های اجتماعی، ایجاد حس

سجادی نمونه‌هایی از این موضوع هستند. این نمونه‌ها نشان می‌دهد که ورزشکاران امروز فراتر از میدان رقابت عمل می‌کنند و در عرصه سیاست و اجتماع نقشی کلیدی ایفا می‌نمایند.

بررسی انگیزه‌های ورود ورزشکاران مستعد به عرصه سیاست با مرور نتایج تحقیقاتی مانند دارنل^۱ (۲۰۱۲)؛ اصغری و همکاران (۱۳۹۴)؛ زیلنسکی^۲ و همکاران (۲۰۲۰)؛ نیون^۳ (۲۰۲۱)؛ علیاری و همکاران (۱۴۰۲)؛ مک دونالد و مارشال^۴ (۲۰۲۳) و کالیس^۵ (۲۰۲۳) نشان می‌دهد که می‌توان چند عامل اجتماعی، دیپلماتیک و ملی را به‌عنوان دلایل اصلی این حضور در نظر گرفت. از نظر اجتماعی، هدایت افکار عمومی به سمت ورزش، تقویت روحیه جوانمردی و ترویج مسئولیت اجتماعی^۶ از جمله مهم‌ترین انگیزه‌هایی هستند که ورزشکاران را به عرصه سیاست می‌کشاند. این انگیزه‌ها به ورزشکاران کمک می‌کند تا به‌عنوان الگوهای مثبت اجتماعی شناخته شوند و تأثیرگذاری مثبتی بر جامعه داشته باشند. از سوی دیگر، سازوکار دیپلماتیک شامل انگیزه‌هایی مانند بهبود روابط بین‌المللی، ایجاد هویت ملی^۷، ادغام اقلیت‌ها و تقویت ملی‌گرایی^۸ است. این انگیزه‌ها به ورزشکاران فرصت می‌دهد تا به‌عنوان نمایندگان کشور خود در بهبود جایگاه بین‌المللی حکومت نقش داشته باشند و به ایجاد همبستگی ملی^۹ کمک کنند. همچنین، ورزشکاران با ورود به سیاست می‌توانند تأثیر مستقیمی بر تصمیم‌گیری‌های کلان داشته باشند و نقش مهمی در عرصه دیپلماسی ایفا کنند. در کنار این عوامل، انگیزه‌های مربوط به تفکر ملی نیز جایگاه ویژه‌ای دارند (۲۷-۳۳).

حمایت از حکومت، پیشبرد ورزش و ایجاد انجمن‌های ورزشی-سیاسی که هدف آن‌ها تأثیرگذاری بر نوجوانان و

8. Nationalism
9. National Solidarity
10. Social Weapon
11. Political Power
10. Political Weapon
11. Hard Power
12. Soft Power

12. Darnell
13. Zilinsky
3. Niven
4. McDonald & Marshall
5. Kaliss
6. Social Responsibility
7. National Identity

که ملت‌ها می‌توانند پیام صلح، دوستی و همکاری خود را به نمایش بگذارند. ورزش، در چارچوب دیپلماسی سنتی نیز همواره مورد توجه کشورها بوده، اما امروزه با تغییرات بنیادی در ماهیت دیپلماسی، ورزش به ابزاری کارآمد برای ملت‌سازی، ترویج ایدئولوژی و دستیابی به اهداف بین‌المللی و تجاری تبدیل شده است. از سوی دیگر، رشد نفوذ سازمان‌های ورزشی بین‌المللی و افزایش اهمیت رویدادهای ورزشی بزرگ مانند المپیک و جام جهانی فوتبال، تأثیری عمیق بر گسترش مفهوم دیپلماسی ورزشی گذاشته و جایگاه آن را بیش از پیش تقویت کرده است (۴۳-۳۶).

در دنیای امروز، رویدادهای ورزشی فراتر از یک رقابت ساده میان تیم‌ها هستند؛ این رقابت صحنه‌ای برای نمایش قدرت و نفوذ سیاسی کشورها به شمار می‌آیند. زمانی که قهرمانان ورزشی پیروزی‌های خود را به دست می‌آورند، دولت‌ها بلافاصله این موفقیت‌ها را به‌عنوان نمادی از برتری نظام سیاسی و اقتصادی خود نمایش می‌دهند. کشورها با استفاده از این ابزار، تلاش می‌کنند تا انزوای سیاسی خود را کاهش دهند و تعاملات بیشتری با جهان داشته باشند. در این راه، ورزش از قدرت فوق‌العاده‌ای برای ایجاد همگرایی و انسجام ملی برخوردار است. به‌عنوان مثال، مسابقه تاریخی تنیس روی میز بین آمریکا و چین در دهه ۷۰ که به «دیپلماسی پینگ‌پنگ»^۷ شهرت یافت، باعث بهبود روابط دو کشور در دوران تنش شد یا دیپلماسی کریکت^۸ میان هند و پاکستان که با وجود اختلافات سیاسی، راهی برای تعامل بین دو کشور گشود. دیپلماسی استادیوم^۹ از دیگر نمونه‌های ماهیت دیپلماتیک ورزش است که به ساخت و حمایت از پروژه‌های استادیوم‌سازی در کشورهای دیگر اشاره دارد. این نوع دیپلماسی می‌تواند به تعاملات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی میان کشورها کمک کند. برای مثال، پروژه‌های ساخت استادیوم در آفریقا توسط چین

غرور، هویت، تعلق خاطر و وحدت اجتماعی کمک می‌کند. علاوه بر این، ورزش می‌تواند به تقویت حمایت از رهبران و نظام سیاسی و ایجاد حس پیشرفت و توسعه اقتصادی نیز منجر گردد؛ بنابراین، ورزش پیوند نزدیکی با سیاست پیدا کرده و به یک موضوع دیپلماتیک تبدیل شده است (۳۴). کشورها با بهره‌گیری از کارکردهای بین‌المللی ورزش نه تنها به دنبال افزایش قدرت و ثروت خود هستند، بلکه در پی ارتقای جایگاه و منزلت خود در صحنه جهانی نیز هستند. عرصه رقابت‌های ورزشی به شکلی روزافزون به میدان نبرد ژئوپلیتیک^۱ بین بازیگران سیاسی تبدیل شده است؛ جایی که تأثیرات عمیقی بر روابط بین دولت‌ها و ملت‌ها می‌گذارد و نوع تعاملات آن‌ها را مشخص می‌کند. در حقیقت، رقابت‌های ورزشی به بستری برای یک کارزار ژئوپلیتیک نمادین و هویت‌ساز تبدیل شده‌اند که نقش کلیدی در تقویت قدرت ملی کشورها ایفا می‌نماید (۳۵).

دیپلماسی به‌عنوان مهم‌ترین ابزار سیاست خارجی، در عصر جهانی‌شدن دچار تحولات چشمگیری شده است. در این میان، دیپلماسی عمومی^۲ با هدف تأثیرگذاری بر افکار عمومی کشورهای هدف، مفهومی است که به‌واسطه تحولات جهانی در ماهیت قدرت ظهور یافته است. در همین راستا، مرور نتایج تحقیقاتی مانند سبزی و همکاران (۱۴۰۰)؛ یانوکوف و باهتوریدزه^۳ (۲۰۲۲)؛ اوجو^۴ (۲۰۲۲)؛ زارع و همکاران (۱۴۰۲)؛ بودیاسا^۵ (۲۰۲۴)؛ مهری و همکاران (۱۴۰۳)، گریکس و برانگان^۶ (۲۰۲۴) نشان داد دیپلماسی ورزشی نیز به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از دیپلماسی عمومی، با بهره‌گیری از ورزش و رویدادهای بزرگ ورزشی مانند المپیک و جام‌های جهانی به ابزاری برای قرابت کشورها و تقویت روابط صمیمانه میان آن‌ها تبدیل شده است. این اجتماعات گسترده ورزشی، فرصت‌های بی‌نظیری را برای بروز کارایی دیپلماسی ورزشی فراهم می‌کنند؛ جایی

6. Grix & Brannagan

7. Ping pong Diplomacy

8. Cricket Diplomacy

9. Stadium Diplomacy

1. Geopolitics

2. Public Diplomacy

3. Yanukov & Bahturidze

4. Ojo

5. Budiasa

روسیه نیز برای بهبود تصویر بین‌المللی خود و نمایش توانایی‌های زیرساختی و مدیریتی از متخصصان خارجی در زمینه‌های زیست‌محیطی و امنیتی استفاده کرد تا بازی‌های سوچی^۲ را به‌عنوان یک رویداد ایمن و سازگار با محیط‌زیست معرفی کند. این اقدام نه تنها به جذب حمایت‌های بین‌المللی کمک کرد، بلکه به روسیه اجازه داد تا از این بازی‌ها به‌عنوان ابزاری برای تقویت مشروعیت سیاسی و اقتصادی خود استفاده کند. این نمونه‌ها به‌خوبی نشان می‌دهند که استفاده از ورزش، نه تنها برای حمایت و مشروعیت بخشی است بلکه به‌عنوان ابزاری برای پیشبرد اهداف سیاسی بسیار مؤثر است (۳۴).

بحث و نتیجه‌گیری

رابطه بین سیاست و ورزش دوطرفه بوده و می‌تواند تأثیرات مثبت یا منفی به همراه داشته باشد، هرچند معمولاً اقدامات سیاسی تأثیر بیشتری بر ورزش داشته‌اند. ورزش به‌شکلی پیچیده با مسائل اجتماعی و سیاسی درهم‌تنیده است و این پیوند در گذر زمان به‌خوبی قابل مشاهده است. در برخی موارد، ورزش از قدرت و نفوذ سیاست بهره‌مند شده است و بالعکس. یکی از عرصه‌های تعامل قدرت و سیاست در ورزش، ورود و حضور سیاستمداران در این حوزه است. در دنیای ورزش، آنچه پشت‌صحنه رخ می‌دهد، اغلب به‌اندازه رقابت‌های داخل زمین پیچیده و جالب‌توجه است. روابط قدرت و سیاست در این عرصه به‌صورت نامرئی اما بسیار تأثیرگذار عمل می‌کنند و در لایه‌های پنهان ساختارهای ورزشی جریان دارند. این تقابل پنهان برای اعمال نفوذ، به‌ویژه در مدیریت کلان و سطوح بین‌المللی، با استراتژی‌ها و تاکتیک‌های هوشمندانه پیش می‌رود (۵).

ورزش به‌ظاهر عرصه‌ای از رقابت‌های سالم و نمایش استعدادها و جسمانی است؛ اما موفقیت در ورزش تنها به مهارت‌های فنی یا نتایج رقابت‌ها محدود نمی‌شود. مدیران

نشان‌دهنده جاه‌طلبی‌های معماری و دیپلماتیک این کشور است. هرچند این نوع تعاملات می‌تواند به تقویت روابط بین‌المللی منجر شود، اما برخی آن را به‌عنوان ابزاری برای اعمال نفوذ و کنترل بر کشورهای میزبان مورد انتقاد قرار می‌دهند و سؤالاتی را در مورد پیامدهای بلندمدت آن مطرح می‌کنند (۳۸).

نلسون ماندلا^{۱۰} با استفاده از جام جهانی راگبی (۱۹۹۵) به تقویت وحدت ملی و کاهش شکاف‌های نژادی در آفریقای جنوبی پرداخت. همچنین پیام دوستی و صلح علی‌رغم تنش‌های سیاسی در دیدار فوتبال بین ایران و آمریکا (۱۹۹۸)، حضور کره شمالی و جنوبی تحت یک پرچم متحد در تیم هاکی زنان المپیک زمستانی ۲۰۱۸، میزبانی موفق روسیه در جام جهانی ۲۰۱۸ با ارائه تصویری متفاوت از خود در عرصه بین‌المللی، ارتقای جایگاه دیپلماتیک و گردشگری مجارستان در مسابقات جهانی شنا ۲۰۱۷، همگی نمونه‌هایی از دیپلماسی ورزش هستند. ورزش، به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه، همواره ابزاری جذاب برای سیاستمداران بوده است تا با استفاده از ورزش هم فرصتی برای نمایش قدرت و هم‌زمانی برای تعامل دیپلماتیک داشته باشند. به همین دلیل است که ورزش به‌طور فزاینده‌ای به‌عنوان یکی از مؤثرترین ابزارهای دیپلماسی عمومی شناخته می‌شود. برای مثال، عربستان در سال ۲۰۱۹ برای اولین بار مسابقات تنیس زنان را برگزار کرد که گامی در جهت اصلاحات اجتماعی و تقویت روابط با غرب بود. المپیک تابستانی ژاپن در ۲۰۲۰ (برگزار شده در ۲۰۲۱) به تقویت تصویر بین‌المللی این کشور به‌عنوان کشوری مقاوم در برابر بحران‌ها کمک کرد. علاوه بر این، مسابقات فرمول یک در عربستان و بحرین ۲۰۲۱ نشان‌دهنده تلاش این کشورها برای افزایش نفوذ بین‌المللی بود و جام جهانی ۲۰۲۲ در قطر به‌عنوان نخستین رویداد در خاورمیانه، بستر مهمی برای تقویت روابط دیپلماتیک قطر و افزایش نفوذ بین‌المللی آن فراهم کرد.

². Sochi

¹⁰. Nelson Mandela

انجام شده بود، اما کمیته بازرسی دابین^۴ (۱۹۹۰) نه تنها به بررسی دوپینگ در میان ورزشکاران کانادایی پرداخت، بلکه به شکلی غیرمستقیم به دولت کمک کرد تا از خود در برابر اتهامات کوتاهی در مدیریت دوپینگ دفاع کند و درعین حال حمایت خود از مبارزه با دوپینگ را به طور عمومی به نمایش بگذارد. همچنین از مثال‌های ناکام در این زمینه می‌توان به استخدام مارک ویلموس^۵ به عنوان سرمربی تیم ملی فوتبال کشور با هدف کسب مشروعیت و حرکت در جهت حرفه‌ای سازی اشاره کرد که نتایج مطلوبی در پی نداشت.

یکی دیگر از روش‌های مؤثر برای اعمال قدرت سیاسی در سازمان‌های ورزشی، بهره‌گیری از متخصصان برای حمایت و مشروعیت بخشی به موقعیت یک فرد یا سازمان است مانند زمانی که باشگاه‌های بزرگ فوتبال با محدودیت‌های مالی یوفا مواجه می‌شوند. در مقابل، شرکت‌های مشاوره‌ای معمولاً از متخصصان خارجی استفاده می‌کنند تا نظرات بی‌طرفانه و عینی ارائه دهند. هرچند ممکن است این بی‌طرفی تنها در ظاهر باشد، اما استفاده از چنین کارشناسانی معمولاً به منظور تأیید و مستندسازی نتایج گزارش‌های خاص انجام می‌شود (۴۳). به عنوان مثال، در بخش‌های دولتی مانند دپارتمان ورزش در کانادا، متخصصان خارجی مسئول تهیه گزارش‌های نظارتی و ارزیابی خدمات بخش‌های مختلف ورزشی هستند. این گزارش‌ها توسط مسئولین رسمی منتخب برای نظارت و سرپرستی مورد بررسی قرار می‌گیرند. اگر این گزارش‌ها با سیاست‌ها و منافع سازمان همخوانی داشته باشد و نظر مسئول مربوطه را جلب کند؛ به اطلاع عموم می‌رسد و از آن به عنوان ابزاری برای تقویت اعتبار سازمان استفاده می‌شود؛ اما اگر گزارش با منافع سازمان مغایر باشد، محتوای آن محرمانه باقی می‌ماند و منتشر نمی‌گردد. این نوع استفاده از متخصصان برای کسب مشروعیت و حمایت، به‌ویژه در رویدادهای بزرگ ورزشی نیز مشاهده می‌شود.

و رهبران ورزشی که بتوانند بازی قدرت و سیاست را به‌درستی بازی کنند، موفق به هدایت سازمان‌های خود به سوی موفقیت‌های بزرگ‌تر خواهند شد. روابط پیچیده‌ای که میان سیاست و ورزش وجود دارد، نشان می‌دهد که در دنیای امروز، هیچ‌چیز به‌سادگی آن چیزی نیست که به نظر می‌رسد؛ هر تصمیم، هر توافق و هر پیروزی می‌تواند نتیجه یک تقابل پنهان و ظریف برای کسب قدرت باشد (۲). سیاستمداران، مدیران و سازمان‌ها در پشت پرده، از این بستر برای دستیابی به منافع سیاسی و اقتصادی استفاده می‌کنند. کنترل اطلاعات، دست‌کاری واقعیت‌ها و ایجاد ائتلاف‌های استراتژیک به ابزارهای اصلی آن‌ها تبدیل می‌شود. این تقابل پنهان در ساختارهای ورزشی، قدرت را به‌عنوان ابزاری برای حفظ و تقویت موقعیت سیاسی و سازمانی نشان می‌دهد. بازیگران کلیدی در این میدان، از طریق شبکه‌سازی‌های پیچیده درون و بیرون از سازمان، به دنبال تثبیت نفوذ خود هستند. ایجاد ائتلاف‌های مخفیانه و همکاری‌های استراتژیک، بخشی از تاکتیک‌های آن‌هاست تا بتوانند در محیط رقابتی ورزش، قدرت را به دست آورند یا حفظ کنند. حامیان در بالاترین سطوح مدیریتی سازمان‌های ورزشی حضور دارند و با هدایت افراد در مسیر سلسله‌مراتب، نقش حیاتی در تقویت شبکه‌های قدرت دارند. همتایان یا هم‌قطاران، با ایجاد ائتلاف‌های افقی به تقویت جایگاه سیاسی کمک می‌کنند و حتی زیردستان می‌توانند با پشتیبانی یا مخالفت خود، تأثیر شگرفی بر نفوذ سیاسی مدیران بگذارند (۵).

علاوه بر کسب حمایت و مشروعیت از طریق ورزش، سیاسیون می‌توانند اهداف سیاسی خود را نیز پیش ببرند. یک مثال برجسته در این زمینه استفاده دولت کانادا از یک مقام ارشد اتحادیه قضات ایالت انتاریو^۱ برای تحقیق در مورد آزمایش دوپینگ^۲ بن جانسون^۳، دونده ۱۰۰ متر در المپیک ۱۹۸۸ بود. اگرچه روی ورزشکاران کانادا آزمایش مواد نیروزا

4. Dubin

5. Marc Wilmots

1. Ontario Judges' Association

2. Doping

3. Ben Johnson

یک ایدئولوژی رسمی نیز شناخته می‌شود که تأثیرات گسترده‌ای بر فرهنگ، سیاست و اقتصاد دارد. ورزش از آغاز، پیوسته و همراه سیاست و سیاستمداران بوده است. در گذشته، ورزش بیشتر بر ابعاد فردی و تناسب‌اندام تأکید داشت، اما امروزه بیشتر به‌عنوان یک پدیده اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شناخته می‌شود. این رابطه دوطرفه است؛ به این معنی که سیاست از طریق تدوین و اجرای سیاست‌های ورزشی تأثیر مستقیمی بر ورزش دارد، درعین‌حال ورزش نیز از طریق تقویت ارزش‌های انسانی، افزایش همبستگی ملی و ارتقای مشارکت سیاسی بر سیاست تأثیر می‌گذارد. به‌علاوه در زمان برگزاری رویدادهای ورزشی بین‌المللی، ورزش به‌عنوان یک وسیله برای تعامل و استفاده از قدرت‌های جهانی نیز شناخته می‌شود (۷).

دولت‌ها نیز با توجه به قدرت ورزش در ایجاد انگیزه‌های اجتماعی و افزایش اعتبار بین‌المللی، سرمایه‌گذاری‌های عظیمی در موفقیت‌های ورزشی انجام داده‌اند. این روند در عرصه بین‌المللی به‌گونه‌ای شکل گرفته است که موفقیت‌های ورزشی^۷ نه تنها سبب افتخار ملی می‌شود، بلکه به سیاست‌های عمومی و منافع اجتماعی نیز نیرو می‌بخشد. از این رو، یکی از اهداف اصلی دولت‌ها توجه به موفقیت‌های ورزشی نخبگان و بهره‌گیری از تأثیرات مثبت موفقیت‌های بین‌المللی بر مسائل اجتماعی و دستیابی به اهداف غیرورزشی است؛ این باور که موفقیت‌های بین‌المللی می‌تواند از طریق سیاست‌های عمومی و افزایش دستاوردهای ورزشکاران نخبه تقویت شود، باعث شده تا دولت‌ها سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای در ورزش‌های بین‌المللی انجام دهند. این رقابت فزاینده در عرصه ورزش‌های بین‌المللی نیازمند سرمایه‌گذاری‌های بیشتر

مثلاً کمیته سازمان‌دهی بازی‌های المپیک ۲۰۰۰ سیدنی، متخصصانی از سازمان فضای سبز^۱ را به کار گرفت تا به موقعیت خود به‌عنوان «بازی‌های سبز^۲» مشروعیت بیشتری ببخشد.

ایجاد شبکه ارتباطات یکی دیگر از راه‌های مؤثر برای اعمال قدرت سیاسی در سازمان‌های ورزشی است. برای تأثیرگذاری سیاسی در چنین سازمان‌هایی، برقراری روابط قوی با افراد درون و بیرون سازمان ضروری است. این شبکه‌ها می‌توانند از طریق راهکارهای رسمی و غیررسمی شکل بگیرند. به گفته کانتر^۳ (۱۹۷۷)، سه گروه اصلی حامیان^۴، هم‌قطاران (هم‌تایان)^۵ و مرئوسین (زیردستان)^۶ در ساختار این شبکه‌ها نقش کلیدی دارند. شبکه‌سازی حتی می‌تواند با استخدام، ترفیع یا حتی جابجایی و اخراج افراد تقویت شود. گاهی ورود افرادی با دیدگاه‌های مخالف به شبکه می‌تواند به نفع سازمان باشد. به‌عنوان مثال، اگر یک کارمند دانشگاهی معتقد باشد که مدیریت بیش‌ازحد به تیم‌های ورزشی بودجه اختصاص می‌دهد، انتقال او به واحد مالی ممکن است نظرش را تغییر دهد؛ با درک نیازهای تیم‌های ورزشی، او به یک حامی تبدیل می‌شود و این نشان می‌دهد که مخالفت‌ها هم می‌توانند با شبکه‌سازی درست، به نفع سازمان تمام شوند. به‌علاوه، ایجاد شبکه‌های ارتباطی تنها به داخل سازمان محدود نمی‌شود. ارتباطات خارج از سازمان، به‌ویژه با بازیگران کلیدی صنعت ورزش و نهادهای بین‌المللی، می‌تواند نتایج قابل‌توجهی به همراه داشته باشد (۵).

مهم‌ترین حوزه تعامل قدرت-سیاست در ورزش، نقش ورزش در روابط بین‌المللی و دیپلماسی ورزش است. ورزش به‌دلیل تعاملاتش با اقتصاد، فرهنگ و سیاست به یکی از موضوعات مهم و مؤثر در جامعه تبدیل شده است. این پدیده نه تنها به‌عنوان یک فعالیت جسمانی، بلکه به‌عنوان

5. Peers

6. Subordinates

7. Sports Success

1. Green Place

2. Green Games

3. Kanter

4. Sponsors

سیاستمداران در ورزش شده است (۴۴). ضمناً با دقت به روابط بین سیاست خارجی کشورها و ورزش، می‌توان به این نتیجه رسید که در بسیاری از موارد، ورزش به‌نوعی تحت تأثیر و پیروی از نسخه‌های سیاسی عمل می‌کند (۵).

اکنون به‌وضوح تأثیر تنش‌ها و بحران‌های بین‌المللی بر ورزش دیده می‌شود و ورزش به‌تدریج به محلی برای رقابت‌ها و رویارویی کشورها و افراد سیاسی تبدیل شده است. همکاری میان ورزش و سیاست، جایگاه ورزش را به سطحی ویژه ارتقا داده است، به‌طوری‌که ورزشکاران پس از دستیابی به عناوین قهرمانی، دیگر تنها به‌عنوان چهره‌های ورزشی شناخته نمی‌شوند و اغلب توسط سیاستمداران مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند. از نظر سیاسی، ورزش با قدرت بسیج‌کنندگی اجتماعی و توانایی نمادین‌سازی تفاوت‌ها میان ملت‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد و منعکس‌کننده روابط اجتماعی جامعه است. ساختارها و فرآیندهای آن نیز بازتابی از سازگاری و هماهنگی با ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی هر جامعه و حس یکپارچگی میان مردم است که می‌توان آن را در نمونه‌های ورزشی مشاهده کرد (۱۵). به‌عنوان مثال، تیم ملی فوتبال برزیل نه‌تنها به‌عنوان نمادی از موفقیت ورزشی شناخته می‌شود، بلکه نمایانگر انسجام اجتماعی و فرهنگی مردم برزیل است. موفقیت‌های این تیم در مسابقات جهانی، احساس وحدت ملی و افتخار جمعی را در این کشور تقویت می‌کند.

به‌طور کلی، بررسی روابط پنهان قدرت و سیاست در عرصه ورزش می‌تواند با نگاهی جامع‌تر به تحقیقات گذشته، نقشه‌ای برای آینده پژوهش‌ها در این حوزه ترسیم کند. همان‌طور که مرور تحقیقات نشان می‌دهد، نفوذ سیاسی در سازمان‌های ورزشی از طریق تاکتیک‌های مختلفی انجام می‌شود. با توجه به اینکه مستندات موجود در سازمان‌های ورزشی نسبتاً محدود است و مدیران و سیاستمداران اغلب تمایلی به بازگویی تجربیات سیاسی-ورزشی خود ندارند،

است، زیرا میزان موفقیت کشورها به عملکرد و اقدامات رقبایشان نیز وابسته است (۵).

هدف اصلی بازی‌های المپیک باستان از اولین دوره (۷۷۶ قبل از میلاد)، وحدت بین مردمان بود و توجه ویژه‌ای نیز به این کاربرد ورزش می‌شد. در دوره‌های بعدی المپیک مدرن نیز این رویه ادامه یافت اما به ماهیت سیاسی آن به‌خصوص در دو بلوک شرقی و غربی افزوده شد؛ اما امروزه، این تعامل بیشتر به شکل اقتصادی و سیاسی مشهود است. بنیان‌گذاران المپیک، این مسابقات را برای ایجاد همبستگی بین افراد مختلف با زبان‌ها، فرهنگ‌ها و ملیت‌های متفاوت تأسیس کردند؛ اما در زمان حال، میدان مسابقه به میدان نبرد برای اهداف سیاسی تبدیل شده است، جایی که برخی از مردم به دلیل نتیجه یک مسابقه یا باخت یک تیم، احساسات عمیقی را تجربه می‌کنند و شادی عمومی به شکل‌های مختلف در نتیجه آن شکل می‌گیرد. همچنین در تاریخ ورزش دنیا، انتقام‌جویی‌های ورزشکاران به‌جای سیاستمداران بسیار است و بررسی تاریخ رویدادهای ورزشی بزرگ نشان می‌دهد، ورزش به‌ویژه ورزش قهرمانی^۱ همواره با سیاست در ارتباط بوده و از آن تأثیر می‌گرفته است. مهم‌ترین نیاز ورزش به سیاست، حمایت‌های مالی (اولین و مهم‌ترین زیربنای موفقیت ورزشی) است (۱۲). ساخت و توسعه تأسیسات ورزشی هزینه‌های بسیار بالایی دارد که بخش ورزش به‌تنهایی از عهده آن بر نمی‌آید؛ بنابراین، مداخله دولت و سیاستمداران، اگرچه گاهی جنبه‌های منفی به همراه دارد، در برخی موارد نتایج مثبتی برای ورزش به ارمغان می‌آورد. این ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ورزش باعث شده است تا دانشمندان علوم اجتماعی از ورزش به‌عنوان یک پدیده مهم اجتماعی در تحلیل‌های جامعه‌شناختی خود استفاده کنند. در مجموع، شاید هیچ حوزه‌ای به‌اندازه ورزش از نظر استراتژی با سیاست شباهت نداشته باشد. این توجه با روند تجاری‌سازی و حرفه‌ای‌سازی ورزش، موجب دخالت یا تعامل بیشتر

^۱. Championship Sport

تحقیقات آتی باید بر پایه گزارش‌ها، مستندات سازمانی و تجربیات عملی مدیران سیاسی و ورزشی انجام شود. این تحقیقات می‌توانند به‌طور مستقیم به فهم بهتر رابطه متقابل ورزش و سیاست کمک کنند و نشان دهند که چگونه همکاری سیاستمداران و مدیران ورزشی در کنار هم می‌تواند به موفقیت‌های بزرگ ورزشی منجر شود. از این‌رو، پژوهش‌های آینده باید نه تنها به رابطه متقابل میان ورزش و سیاست در رویدادهای بین‌المللی بپردازند، بلکه به نقشی که ورزش در ایجاد توسعه سیاسی^۱ و مقبولیت اجتماعی برای سیاستمداران دارد، توجه بیشتری داشته باشند. این پژوهش‌ها می‌توانند زمینه‌ساز ارتقاء جایگاه ورزش کشور (ورزش قوی) و تحقق اهداف بلندمدت برای یک ایران قوی و مقتدر باشند.

سپاسگزاری

احتراماً، تیم نویسندگان از صاحب‌نظران و پژوهشگرانی که به غنای پژوهش حاضر یاری رسانیده‌اند، صمیمانه قدردانی می‌نماید.

تعارض منافع

تمام مسائل مربوط به اخلاق در پژوهش شامل پرهیز از سرقت ادبی انتشار یا ارسال بیش از یک‌بار این مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده سازی یا جعل داده‌ها، منبع سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش شونده، سوء رفتار و به‌طور کامل رعایت شده است.

^۱. Political Development

References

1. Eftekhari, A., Raji, M. H. Analyzing the concept of power in a complex postmodern society. *POLITICAL QUARTERLY*, 2022; 52(2): 368-339. (in persian)
2. Bergsgard NA. Power and domination in sport policy and politics—three intertwined levels of exercising power. *International Journal of Sport Policy and Politics*. 2018 Oct 2;10(4):653-67.
3. Bienkowska J. Evolution of Organizational Power. *China-USA Business Review*. 2016;15(6):289-93.
4. Barnhill CR, Smith NL, Oja BD, Barnhill CR, Smith NL, Oja BD. Power and Politics in Sport Organizations. *Organizational Behavior in Sport Management: An Applied Approach to Understanding People and Groups*. 2021:189-99.
5. Ramzaninejad R, Ahmadi F, Ashegi B, Eskandaripour M. Advanced management in sports organizations. Iran, Tabriz, Tannin Danesh publication. 2022. (in persian)
6. Nazarii R, Rafeei Dehkordi F, Ramezaninejad R. Providing a political behavior model in the strategic decision-making of Iranian sports managers. *Organizational Behavior Management in Sport Studies*. 2020 Sep 22;7(3):45-58. (in persian)
7. Ziya, M., Goharrostami, H., Nazari, S. Analysis of factors affecting the performance of women in elite sports with emphasis on the development of sports policies, the third international conference on new challenges and solutions in industrial engineering, management and accounting, Chababar. 2022. (in persian)
8. Carriere KR. The power of inaction: Power dynamics and public policy. In *Psychology in Policy: Redefining Politics Through The Individual* 2022 Jul 21 (pp. 53-67). Cham: Springer International Publishing.
9. Jiang J. The Impact of Perception of Organizational Politics on Knowledge Sharing Behavior of Employees: The Mediating Effect of Psychological Capital and The Moderating Effect of Political Skill. *Journal of Innovation and Development*. 2023 Feb 9;2(1):1-5.
10. Shepherd NG, Hodgkinson GP, Mooi EA, Elbanna S, Rudd JM. Political behavior does not (always) undermine strategic decision making: Theory and evidence. *Long Range Planning*. 2020 Oct 1;53(5):101943.
11. Carrington B. Sport, Ideology, and Power. *The Oxford Handbook of Sport and Society*. 2022 Sep 21:48.
12. Ziya, M. J., Ramezaninejad, R., Shafiee, S. Investigating factors affecting the performance of countries in the Olympics: a two-level analysis The 14th International Sports Science Conference, Research Institute of Physical Education and Sports Sciences, Tehran. 2024. (in persian)
13. Botelho Previatti C. Rio 2016 Olympic Games: the Process of Eviction and Resistance of Vila Autodromo's Residents. *Event Management*. 2023 Oct 3;27(6):951-65.
14. Asheghi B, Ramzani Nejhadi R, Abdi S. Content analysis of articles related to politics and sport from 1388 to 1398. *Communication Management in Sport Media*. 2022 Apr 21;9(3):45-57. (in persian)
15. Jalalifarahani, M. Evaluate the Educational, Politic and Athletic Background Of Senior Sport managers of Iran and selected countries. *Organizational Behavior Management in Sport Studies*, 2014; 1(4): 57-68. (in persian)
16. Elahi Manesh M. H, Sayad M. R. Common Cultural Components in Politics and Soccer (Case Study of Iran in Contemporary Period), *Journal of Research in History, Politics and Media*, 2018; 1(3): 431-453. (in persian)
17. Piekarz M, Adams A. Sport events as political capital: definitions, evaluation of effectiveness and who benefits. In 24th EASM Conference 2016.

18. Abisha M. SEPARABILITY AND INSEPARABILITY OF SPORT AND POLITICS: THE REALITY IN AFRICA TODAY. *Researchers World*. 2016 Apr 1;7(2):119.
19. Gift T, Miner A. "DROPPING THE BALL": the understudied nexus of sports and politics. *World Affairs*. 2017 Mar;180(1):127-61.
20. Dousti, M., Goudarzi, M., Asadi, H. The Explanation and Analysis of Reasons and Consequences of Politicians' Entrance into Iran Sport. *Sport Management Journal*, 2021; 13(1): 15-34. (in persian)
21. Hita IP, Pranata D, Ariestika E. Power and Political Influence in Sports in Indonesia: A Literature Review. *The Eastasouth Journal of Learning and Educations*. 2024 Jul 12;2(02):75-83.
22. Boykoff J. 'The point, however, is to change it': Critical social sciences and the Olympic Games. *In Transforming Sport* 2018 Jan 12 (pp. 65-78). Routledge.
23. Gholamian, A., Mallaei, M., Ziya, M. J. Sports washing as a tool of foreign policy, a look at the geopolitical investment of countries, The third international conference and the eighth national conference of the Scientific Association of Sports Management of Iran, Tehran. 2023. (in persian)
24. Ziya MJ, Ramezanejad R, Shafiee S, Hedayati Shahidani M. Analysis of factors influencing the sports success of countries as a model for shaping sports policy making in Iran. *Strategic Studies on Youth and Sports*. 2024 Oct 16.
25. Triboi V, Nastas N. The Fight against Corruption in Sport: International and National Experience. *In World Lumen Congress 2021 (Vol. 17, pp. 674-683)*.
26. Hadian N, Karimi AH. Studying the Relationship between Sport and Foreign Policy on the Basis of Pierre Bourdieu's Field Theory. *POLITICAL QUARTERLY*. 2022 Mar 21;52(1):284-59.
27. Darnell SC. Paying the price for speaking out: Athletes, politics and social change. *ICSSPE Bulletin*. 2012 Jan 1;63.
28. Asghari, F., Razzaghi, M. E., Doosti, M., Mehrabi, G. Study of positive and negative reasons for athletes entering to politics arena. *Organizational Behavior Management in Sport Studies*, 2015; 2(2): 31-39.
29. Zilinsky J, Vaccari C, Nagler J, Tucker JA. Don't Republicans tweet too? Using Twitter to assess the consequences of political endorsements by celebrities. *Perspectives on Politics*. 2020 Mar;18(1):144-60.
30. Niven D. Who says shut up and dribble? Race and the response to athletes' political activism. *Journal of African American Studies*. 2021 Jun;25(2):298-311.
31. Aliyari, M., Shabanibahar, G., Honari, H., Kargar, G. Identifying the strategies and consequences of the entry of athletes into the world of politics. *Sport Management and Development*, 2022; 11(3): 1-21.
32. McDonald S, Marshall PD. Athlete activism: Advancing socio-political causes at mega sporting events. *Persona Studies*. 2023; 9(3):1-20.
33. Kaliss, G. J. It Was Always a Choice: Picking Up the Baton of Athlete Activism. 2023; 307-308.
34. Chadwick S. From utilitarianism and neoclassical sport management to a new geopolitical economy of sport. *European Sport Management Quarterly*. 2022 Sep 3;22(5):685-704.
35. Khabiri M, Fattahi Zadeh A. Sports Diplomacy: Acceptance and Encompassing of A Political Strategic Concept. *Strategic Studies on Youth and Sports*. 2019 May 22;18(43):143-64.
36. Sabzi, Z., Shariati, M., saboonchi, R. Role of Sport Diplomacy in Development of Relations with Western Countries. *Sport Physiology & Management Investigations*, 2021; 13(3).
37. Yanukov SG, Bahturidze ZZ. The Impact of Sport on the Reputation of States in the Modern Political Agenda. *Administrative Consulting*. 2022(7).
38. Ojo T. Sino-African Sport Diplomacy? "New" Wave of Chinese Stadiums in African Cities. *In China's International Communication and Relationship Building* 2022 Jun 24 (pp. 216-232). Routledge.

-
39. Zare, R., Shariati Feizabadi, M., Nezhad Fasihi, F. Content Analysis of Sport Diplomacy Studies in Iran. *cultural- Social studies of Olympic*, 2024; 1(1): 23-43.
 40. Budiasa M. Communication Politics in Sports Events (Politicization or Political Sports Event). *Pena Justisia: Media Komunikasi dan Kajian Hukum*. 2024 Jun 25;23(2):461-71.
 41. Mehri, S., Mahmoudi, A., Ghorbani, M. H., Nemati, S. A comparative study of smart power in Iranian and American sports diplomacy. *cultural- Social studies of Olympic*, 2024; 2(1): 77-97.
 42. Grix J, Brannagan PM. Sports Mega-Events as Foreign Policy: Sport Diplomacy, “Soft Power,” and “Sportswashing”. *American Behavioral Scientist*. 2024 Jul 23:00027642241262042.
 43. Afjeie, A., Mahmoudzadeh, E., Salehi Sadaghiani, J., Adabi Firoozjaie, M. Provide a Model to Determine the Organizational Power Strategies (A case study of Trading Companies of Defense Ministry). *Police Management Studies Quarterly*. 2015; 10(1), 7-44. [Persian]
 44. Whigham S, Black J. London 2012, glasgow 2014 and athletes as political symbols—the precarious positioning of athletes within the evolving contemporary politics of the United Kingdom. *European journal for sport and society*. 2020 Jan 2;17(1):47-65.